

در این بحث ابتدا نگاهی خواهیم داشت به وضعیت فقر و گرسنگی در جهان، سپس به قاره بزرگ آسیا که کشور ما و کشورهای پرجمعیتی نظیر چین و هند را در خود جای داده است نظری می‌افکنیم با این دیدگاه که کشورهای مورد نظر چگونه با مسئله و مشکل فقر و گرسنگی در کشورشان برخورد کرده‌اند و چه روشهای را جهت کاهش آن بکار برده‌اند؟ در ادامه به بررسی وضعیت گروهها و قشرهای آسیب‌پذیر جامعه خود پرداخته و به ارائه راههای مقابله با فقر و گرسنگی و طرق فراهم نمودن غذای کافی، می‌پردازیم:

به بهانه روز جهانی غذا با موضوع سرمایه‌گذاری در امنیت غذایی^۱

بررسی راههای کاهش فقر و گرسنگی در میان گروههای آسیب‌پذیر

گردآوری و ترجمه:
عزت اسلامی زاده

اولین گام در راه رشد تولید، شناسایی عوامل بازدارنده و رفع معایب و نقایص موجود می‌باشد. اصلاح روابط غلط حاکم بر جوامع روستایی نیز گامی دیگر در جهت توسعه و پیشرفت می‌باشد این امر بر عهده وظیفه کارشناسان و مروجین است تا ضمن آموزش روستائیان و عشایر، زمینه توسعه فعالیت‌های مولد و اشتغال آنان در تعاونی‌ها را فراهم آورند. این امر نقش سازنده مروجین را در افزایش تولید و امنیت غذایی مشخص می‌سازد.

سیاسی برای برخورد رویارویی با فقر می‌باشد.

از بین بردن فقر مطلق در نخستین دهه‌های قرن بیست و یکم امری امکان‌پذیر است و خارج از استطاعت جهان نیست، این کار حکم این واجب اخلاقی را دارد و بیش از یک واجب اخلاقی یک تعهد به همبستگی انسانهاست.

فقرزدایی امری است که امکان تحقق آن عملاً وجود دارد و زمان از میان برداشتن جنبه‌های فقر بشری در طول یکی دوده و ایجاد جهانی انسانی‌تر، باثبات‌تر و

دیگر از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محرومند.

طبق برآوردی که در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته حدود ۹۵۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه بوده و دارای برنامه غذایی ناکافی هستند.

اکثریت گرسنگان را نوزادان و اطفال کوچک تشکیل می‌دهند و والدین آنها نیز در مرز مرگ و نیستی قرار دارند.

باید خاطر نشان ساخت مسئله امروز جهان فقدان منابع یا راه حلهای اقتصادی برای مبارزه با فقر نیست بلکه فقدان اراده

وضعیت فقر و گرسنگی در جهان:

اکنون جمعیت کره زمین حدود ۵/۳ میلیارد نفر می‌باشد و همچنان رو به افزایش است، بطوریکه هر ۶ ثانیه ۱۸ نفر به جمعیت جهان افزوده می‌شود.

از طرفی همه ساله مقادیر زیادی از خاک پوششی و آب مورد استفاده در تولید محصولات کشاورزی از دست می‌رود.

اکنون تقریباً یک میلیارد نفر از مردم جهان که بیشتر از کشورهای فقیر بسر می‌برند دچار گرسنگی هستند. یک میلیارد نفر از مردم جهان بی سوادند و یک میلیارد

عادلانه‌تر فرا رسیده است.



اگر قاره آسیا را در نظر بگیریم می‌بینیم این قاره در برگیرنده کشورهای آسیای جنوبی (چین، هند، بنگلادش، پاکستان، افغانستان و...) آسیای جنوب شرقی (هنگ کنگ، سنگاپور، تایوان، کره جنوبی مشهور به چهار ببر آسیا) و مالزی، تایلند، اندونزی، فیلیپین (کشورهای عضو آسه آن) و... و سرانجام آسیای میانه (شامل ایران و کشورهای عربی می‌باشد).

چین

چین در حال حاضر با مشکل تغذیه ۱/۲ میلیارد نفر یعنی حدود ۲۲٪ جمعیت دنیا و با امکان بهره‌گیری از حدود ۷٪ از زمینهای مزروعی جهان روبرو است، این در حالی است که همه ساله مقدار قابل توجهی از زمینهای زراعی چین از تولید خارج شده و مقداری نیز صرف بنای ساختمان می‌شود. رهبران چین خودکفایی در تولید غله را یکی از راههای رسیدن به ثبات اجتماعی و امنیت ملی کشور خود برشمرده‌اند و در راه رسیدن به این خودکفایی سه هدف عمده را مدنظر قرار داده‌اند:

- ۱- افزایش بازده فعلی در هر هکتار
 - ۲- تبدیل زمینهای بایر به زمینهای قابل کشت
 - ۳- جلوگیری از تخریب زمینهای مزروعی جهت تحقق این اهداف تحقیقات دامنه داری در چین صورت گرفته و نتایج حاصله حاکی از آن است که سیاست‌ها باید بگونه‌ای تغییر یابد که به کشاورزان حقوق مطمئن تری نسبت به زمینشان اعطاء گردد و نیز احیای زمینهای بایر و تبدیل زمینهای موات به زمینهای قابل کشت با تامین سرمایه گذارهای لازم و گسترش باغهای پرورش درختان میوه، گیاهان دارویی و سایر محصولات کشاورزی، بایستی مورد توجه قرار گیرد.
- یکی از مسائلی که در چین به آن توجه

این کشور بعد از انقلاب سبز در سالهای ۱۹۸۳-۱۹۶۵ افزایش چشمگیری در تولیدات گندم حاصل کرده، ولی از سال ۱۹۸۳ تولیدات غله هند با کاهش آن روبرو بوده است زیرا حدود ۴٪ از زمینهای زراعی هند به دلیل بهره برداری بیش از حد به پستی گراشیده و سالانه مقادیر زیادی از خاک پوششی و زمینهای قابل زراعت هند از بین می‌رود.

چنگل زدایی نیز منجر به از دست رفتن خاک، هرز رفتن آب و پایین آمدن سطح آبهای زیرزمینی در این کشور شده و می‌شود.

با وجود این در دوماه اخیر هند و چین با درک منطقی از تحولات جهانی و گرایش به فرآیندهای علمی و فنی توسعه و رعایت قانونمندی‌های عمومی در رابطه با صنعتی شدن از حدود ۱۳۰ کشور توسعه نیافته جهان فاصله گرفته و اکنون به درجه‌ای از پیشرفت صنعتی رسیده‌اند که آماده

شده است عدم تبدیل مزارع کوچک به مزارع بزرگتر می‌باشد چرا که در زمینهای بزرگ عمدتاً نیروی کار کمتری بکار گرفته می‌شود و به سرمایه بیشتری نیاز دارد، در حالیکه چین دارای نیروی کار بسیار زیاد و سرمایه اندک می‌باشد، بعلاوه مزارع کوچکتر عمدتاً قدرت تولید بیشتری نسبت به مزارع بزرگتر دارند، لذا وضعیت موجود، ایجاب می‌کند که چین برای جلوگیری از بیکاری و تامین غذای مردم خود از ادغام املاک و ایجاد مزارع بزرگ بپرهیزد.

هندوستان:

هند، کشوری است که در قرن آینده ممکن است عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان را بشود اختصاص دهد.

هند در حال حاضر جمعیتی حدود ۹۵۰ میلیون نفر یعنی به اندازه ۱/۶ جمعیت دنیا را دارا می‌باشد.

پیوستن به جرگه کشورهای پیشرفته صنعتی در قرن بیست و یکم شده‌اند.

تولید مواد غذایی در خاور میانه و ایران

در بخش دیگر آسیا (خاورمیانه) جهان غرب سالانه ۲۵ میلیون دلار مواد غذایی وارد می‌کند و پیش‌بینی می‌شود در پایان قرن کنونی این میزان در حدود ۲۳۰ میلیارد دلار برسد که در صورت افزایش روند مصرف و کاهش میزان تولید مواد غذایی، این کشورها ناچار خواهند بود همواره ۷۰ درصد از مواد غذایی خود را از کشورهای خارجی وارد کنند.

در تولید مواد غذایی میان کشورهای عربی هماهنگی وجود نداشته و اکنون ده درصد از مواد غذایی در بازارهای جهانی به وسیله کشورهای عرب خریداری می‌شود.

در کشور ما و برخی از کشورهای خاور میانه در سالهای اخیر تولید محصولات کشاورزی افزایش یافته است و با افزایش بهره‌برداری از اراضی و منابع آب افزایش عملکرد محصولات و بهبود بهره‌وری نیروی کار، بهبود سطح تکنولوژی و بکارگیری بهینه نهاده‌های کشاورزی با رعایت توسعه پایدار و حفاظت محیط زیست شامل استفاده از انواع کود و سموم شیمیایی، بذرها اصلاح شده، مکانیزاسیون و بکارگیری انواع ماشین آلات و ادوات مکانیکی در انجام عملیات کشاورزی و گسترش زیرساخت‌های کشاورزی، رشد و گسترش چشمگیری داشته است.

بطوریکه حجم تولید این بخش بطور مطلق در سه دهه اخیر بیش از سه برابر افزایش یافته است و علیرغم خشکسالی در مناطق غربی کشور و کاهش تولیدات گندم و جو افزایش افزوده این بخش ۳/۵ درصد رشد داشته است، این رشد عمدتاً از رشد

سریع محصولات زراعی و باغی و محصولات دامی ناشی شده است.

سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۳ حدود ۲۷٪ برآورد شده است. ضمن اینکه این بخش حدود ۸۲٪ از نیازهای غذایی کشور را تامین نموده است.

یکی دیگر از دلایل افزایش تولید در کشورهای آسیای میانه، استفاده از روشهای آبیاری دقیق و کودهای شیمیایی و نیز خرید ابزار آلات جدید کشاورزی از طریق عایدات نفتی است اما باید توجه داشت که در نواحی کم آب با میزان بارندگی اندک زمینه گسترش تولیدات

توسعه و رشد صنایع دستی در بین زنان عشایر و ایجاد صنایع تبدیلی دامی از طریق تشکیل شرکتهای تعاونی در زمینهای پشم‌چینی، شستشو و ریسندگی پشم، تولید پوست و چرم و سایر موارد مشابه که در صورت موجود بودن، بصورت ابتدایی و اولیه است، می‌تواند گام مهمی در جهت فقرزدایی و تامین امنیت زندگی عشایر در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی باشد.

کشاورزی محدود بوده و از طرفی با کاهش صادرات نفت یا افزایش قیمت محصولات غذایی وارداتی، مشکلات فراوانی ایجاد خواهد شد.

ایران، کشوری است که در حال حاضر دارای یک جمعیت ۶۰ میلیونی است، این جمعیت تا سال ۱۴۰۰ به ۹۰ میلیون نفر خواهد رسید و در این سال دیگر نفت خام برای صادرات وجود نخواهد داشت.

برخی معتقدند که تا سال ۱۳۸۵ نفت به پایان می‌رسد و تا سال ۱۴۰۰ میزان صادرات غیرنفتی ما باید به ۲۰۰ میلیارد دلار برسد و کشور به رشد اقتصادی حدود ۷ تا ۸ درصد دست یابد.

این درحالی است که در حال حاضر دارای رشد اقتصادی حدود ۴ تا ۵ درصد هستیم و درآمد صادراتی کشور ۲۲/۵ میلیارد دلار است. از این مبلغ ۱۹/۳ میلیارد دلار به صادرات نفت و گاز و ۳/۲ میلیارد دلار به صادرات غیرنفتی تعلق دارد.

لیکن باتوجه به امکانات، موقعیت و شرایطی که کشور ما دارد، این امر دست یافتنی است و با تکمیل حلقه‌های رابط میان صنایع مختلف و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب می‌توان زمینه را برای افزایش روند رشد اقتصادی و گسترش صادرات غیرنفتی فراهم آورد.

این راهی است که کشورهایی مثل هنگ‌کنگ، تایلند و تایوان با امکاناتی محدودتر از کشور ما در طی یک دوره ۱۰ ساله طی کرده‌اند و به رشد اقتصادی ۱۰،۹،۸ درصد رسیده‌اند. حال ببینیم برای کاهش فقر و گرسنگی در کشور و فراهم نمودن امکانات تغذیه مناسب جهت گروههای آسیب‌پذیر جامعه چه باید کرد؟ اگر بخواهیم گروههای آسیب‌پذیر را بدون در نظر گرفتن قشر وسیعی از جمعیت شهری و روستایی که دچار سوء تغذیه هستند، بصورت کلی دسته‌بندی نمائیم موارد زیر را می‌توانیم نام ببریم:

۱- ساکنان روستاهای محروم کشور

۲- حاشیه‌نشینان شهری

۳- ایلات و عشایر کوچ‌نشین

حدود $\frac{۲}{۴}$ از فقیرترین مردم جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. درصد قابل توجهی از جمعیت کشور ما یعنی حدود ۲۸/۳٪ را روستائیان تشکیل می‌دهند. که از باب معاش خود به فعالیت‌های کشاورزی وابسته‌اند و بعضاً جهت تامین مواد غذایی خود در مضیقه‌اند، لذا ضروری است با تدوین برنامه‌های دقیق و حساب شده در بخش کشاورزی، رشد تولید و بازده کار روستائیان را بالا برده و

بیشترین ریلوایت برخوردار است.

اصولاً جریان توسعه یک کشور مقوله ساده‌ای نیست و یکی از عوامل مهمی که در آن دخالت دارد زمان است، در گذر از حالتی کشاورزی به سیستم صنعتی، عدم توجه به این موضوع سبب کوچ بی رویه روستائیان به شهرها و حاشیه نشینی آنها و افزایش فقر و گرسنگی در جامعه می‌شود.

برای جلوگیری از این امر می‌توان به موازات برنامه ریزی مناسب برای کارهای کشاورزی در روستا با ایجاد صنایع کوچک از طریق تعاونیهای مختلف تولیدی که به کمک سرمایه گذاری اندک روستائیان و تسهیلات اعطایی دولت با حمایت، هدایت و نظارت دولت و مشارکت فعال و همه جانبه خود روستائیان اداره می‌شود به رشد و گسترش صنعت در مناطق روستایی پرداخت و در حقیقت به ایجاد آن گروه از صنایع که مکمل فعالیت‌های کشاورزی در روستاهاست همت گماشت نظیر تهیه و تولید ابزار و ماشین آلات کشاورزی، کاری که در چین و ژاپن صورت گرفته است.

در سال ۱۹۷۳ یکی از رهبران چین، وقتی از آمریکا دیدن می‌کرد، یکی از دلایل سفر او دستیابی به امکانات دیدن می‌کرد یکی از دلایل سفر او دستیابی به امکانات و تکنولوژی آمریکا بخصوص در امور کشاورزی بود و از این بابت شرکت‌های آمریکایی که مترصد یافتن بازار مناسبی چون چین برای کالاهای تولید خود بودند، بسیار شادمان بنظر می‌رسیدند اما رهبر چین پس از اظهار شگفتی از پیشرفت صنایع مربوط به ماشین آلات کشاورزی در آمریکا و نیاز کشورش به این وسایل اعلام کرد که بجای خرید تراکتور و سایر وسایل مشابه، کارخانه ساخت این قبیل ماشین آلات را از آمریکا خریداری خواهد کرد.



می‌توان به موازات برنامه ریزی مناسب برای کارهای کشاورزی در روستا با ایجاد صنایع کوچک از طریق تعاونیهای مختلف تولیدی که به کمک سرمایه گذاری اندک روستائیان و تسهیلات اعطایی دولت با حمایت، هدایت و نظارت دولت و مشارکت فعال و همه جانبه خود روستائیان اداره می‌شود به رشد و گسترش صنعت در مناطق روستایی پرداخت و در حقیقت به ایجاد آن گروه از صنایع که مکمل فعالیت‌های کشاورزی در روستاهاست همت گماشت نظیر تهیه و تولید ابزار و ماشین آلات کشاورزی، کاری که در چین و ژاپن صورت گرفته است.

برای رویارویی با مشکل فقر با توجه به نیروی انسانی فراوان و منابع طبیعی غنی امر توسعه عبارت است از:

بسیج منابع کار جهت توسعه ملی با تاکید بر توسعه در سطح روستا

در این موارد برنامه ریزی در بخش کشاورزی برای تولید مواد غذایی پایه و فراهم نمودن زمینه اجرای صنایع تبدیلی کشاورزی به صورت شرکت‌های تعاونی از

با تخصیص امکانات و اعتبارات بیشتر، شرایط بهتری برای زندگی در روستاها فراهم شود.

ساکنان مناطق روستایی عموماً نیروی انسانی غیرماهر، کم سواد و یا بیسواد را تشکیل می‌دهند. این نیروی کار قادر است علاوه بر امور کشاورزی به انجام کارهای روستایی مثل جاده سازی، جلوگیری از فرسایش زمین، ایجاد تاسیسات بهداشتی و اشتغال در تعاونیهای تولیدی بپردازد.

دولت ژاپن نیز با بردن صنایع کوچک و خاص به روستاهای خود نظیر تهیه قطعاتی از یک دستگاه، برای کشاورزان این فرصت را فراهم آورد که در کنار کشاورزی به انجام کارهای صنعتی نیز بپردازند که بالطبع در توسعه چشم‌گیر صنعتی این کشور نقش مؤثری داشته است.

در ژاپن با آنکه رشد صنعتی، سرعت فوق‌العاده‌ای یافته است با این حال، اشتغال جمعیت از بخش کشاورزی به صنعت و مشاغل شهری سرعت کندی داشته است بطوریکه در طی ۳۰ سال (۱۹۶۰-۱۹۳۰) فقط ۱۵٪ از تعداد کشاورزان آن کاسته شده است.

مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت این است که برای رشد تولیدات کشاورزی در روستاها لزوماً نباید از راهها و وسایل جدید برای این منظور استفاده نمود.

اولین گام در راه رشد تولید، شناسایی عوامل بازدارنده و رفع معایب و نقایص موجود می‌باشد. اصلاح روابط غلط حاکم بر جوامع روستایی نیز گامی دیگر در جهت توسعه و پیشرفت می‌باشد این امر بر عهده وظیفه کارشناسان و مروجین است تا ضمن آموزش روستائیان و عشایر، زمینه توسعه فعالیت‌های مولد و اشتغال آنان در تعاونی‌ها را فراهم آورند. این امر نقش سازنده مروجین را در افزایش تولید و امنیت غذایی مشخص می‌سازد.

حاشیه نشینی در اطراف شهرها نیز همانگونه که قبلاً اشاره شد نتیجه صادرات بی‌رویه روستائیان به مناطق شهری و اسکان در این محلهاست.

اینگونه مهاجرت‌ها سبب می‌شود، روستائیان نقش تولیدی ضعیفی را که قبلاً داشته‌اند از دست داده و معمولاً به کارهایی که بیکاری پنهان گفته می‌شود رو آورند و زندگی خودشان را با مصائبی نو و گاهی

منتهی به وخامت بیشتر از گذشته آغاز کنند.

یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه که در برنامه‌ریزیهای توسعه متاسفانه توجه چندانی به آنها نشده است، جامعه عشایری ایران است.

جمعیت عشایر کوچنده ایران بیش از یک میلیون نفر می‌باشد، اصلی‌ترین تولیدات عشایر فرآورده‌های دامی است که حدود ۲۵ درصد تولید کل کشور را تشکیل می‌دهد.

امروزه بدلیل تخریب راهها و میان‌بندها یا تبدیل آنها به زمین‌های زراعی با مالکیت روستائیان یا تصرف موسسات دولتی و غیردولتی، امکان کوچ طبیعی وجود نداشته و هزینه کوچ برای عشایر بالا رفته است.

این موضوع سبب وارد آمدن خسارتهای زیادی به عشایر، منابع ملی و اقتصادی کشور گردیده است.

یکی از این خسارتهای، کاهش وزن دام بعلت کمبود علوفه، سرعت زیاد کوچ، عدم تناسب درجه حرارت مبدأ و مقصد با نیاز دام، استرس‌های غیرطبیعی وارده بر دام مثل حرکت در جاده‌ها و غیره می‌باشد.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که نامناسب بودن شرایط کوچ، سالانه سبب کاهش ۱۰۳ هزار تن وزن دام معادل ۲ میلیون راس دام می‌شود، با توجه به اینکه وزن گوشت تقریباً نیمی از وزن دام است می‌توان ادعا کرد که سالانه ۵۰ هزارتن گوشت در جامعه عشایری از دست می‌رود که این مقدار، از کل واردات گوشت قرمز در سال ۱۳۷۳ بیشتر است. بعلاوه سالانه

فقرزدایی امری است که امکان تحقق آن عملاً وجود دارد و زمان از میان برداشتن جنبه‌های فقر بشری در طول یکی دودهه و ایجاد جهانی انسانی‌تر، اثبات‌تر و عادلانه‌تر فرارسیده است.

حدود ۲/۲ میلیون راس گوسفند و بز بدلیل سوء تغذیه، حوادث گوناگون، کوچ طولانی و بیماریهای دامی تلف می‌شود، این میزان تلفات برابر حدود ۲۰٪ تولیدات جامعه عشایری است و با از بین رفتن این دامها، علوفه مصرفی نیز هدر می‌رود که میزان علوفه هدر رفته معادل محصول ۲ میلیون هکتار مرتع مرغوب یا ۴ میلیون هکتار مرتع متوسط است. ادامه این روند حاصلی جز تغییر شکل تدریجی و اجباری زندگی عشایر کوچ رو به سکونت در حاشیه شهرها و پیوستن به خیل بیکاران و دارندگان شغل‌های کاذب در گوشه و کنار شهرها نخواهد داشت.

بنابراین لازم است دولت خدمات مورد نیاز این گروه از جامعه را مانند جوامع شهری و روستایی به تناسب زندگی آنها فراهم آورد و خود عشایر نیز شیوه زندگی خود را بگونه‌ای تعیین نمایند که بتوانند از این خدمات و امکانات بهره گیرند.

توسعه و رشد صنایع دستی در بین زنان عشایر و ایجاد صنایع تبدیلی دامی از طریق تشکیل شرکتهای تعاونی در زمینه‌های پشم‌چینی، شستشو و ریسندگی پشم، تولید پوست و چرم و سایر موارد مشابه که در صورت موجود بودن، بصورت ابتدایی و اولیه است، می‌تواند گام مهمی در جهت فقرزدایی و تامین امنیت زندگی عشایر در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات:

در یک جمع بندی و نتیجه‌گیری جهت اتخاذ روشهای مناسب برای کاهش فقر و گرسنگی و فراهم نمودن موجبات دسترسی به غذای کافی برای گروههای آسیب‌پذیر می‌توان به مواد زیر اشاره نمود.

۱- اهمیت و توجه بیشتر به بخش کشاورزی با توجه به نقش تعیین‌کننده‌ای

که در ایجاد امنیت غذایی و تولید ناخالص داخلی و اشتغال دارد.

۲- گسترش و تقویت صنایع کوچک در روستاها از طریق ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی در روستاها و حضور فعالتر بخش تعاونی اقتصاد کشور در تمام عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف با توجه به این امر که تعاون بخشی است که در آن با سرمایه کمتر و تجمع فعالیت‌های متفرق در یک مکان می‌توان تحولی اساسی در اقتصاد بوجود آورد و الگو و ساختار تولید را با هزینه‌های کمتر دگرگون نمود.

۳- تشکیل شرکتهای تعاونی عشایری در زمینه‌های مختلف کشاورزی، دامداری، دامپروری، صنایع دستی و تامین نیاز جامعه عشایری کشور

۴- تشکیل کمیته‌های هماهنگی تحقیقات به منظور اتخاذ تصمیم‌گیری مشترک و تبادل اطلاعات با توجه به نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده جهت ایجاد اشتغال در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی از طریق تعاونیهای موجود در کشور.

۵- بالا بردن تولید داخلی به منظور بهبود وضعیت تغذیه مردم و برطرف نمودن مشکلات آن

۶- از آنجا که احتیاجات غذایی مردم در زمره مبرم‌ترین نیازهای آنان می‌باشد، لذا وابستگی از جهت احتیاجات غذایی به خارج از کشور، بسیار خطرناک بوده و می‌تواند زمینه را برای وابستگی در سایر بخش‌ها و در نهایت سیاست کلی کشور فراهم آورد، لذا ضروری است با تدوین برنامه‌های

کوتاه مدت و بلندمدت ضمن تامین نیازهای غذایی مردم، به تکمیل و گسترش صنایع تبدیلی کشاورزی همت گماشت.

در حال حاضر حدود ۲۰ تا ۳۰ کارخانه پنیرسازی نیمه تمام در کشور وجود دارد که با ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار ارز می‌توان آنها را در خط تولید قرار داد در حالیکه میزان واردات پنیر کشور حدود ۶۰ میلیون دلار است.

کشور سالانه ۲ تا ۴ میلیارد دلار صرف واردات مواد غذایی می‌کند، در حالی که توان تولید مواد غذایی کشور سالانه ۶۰ میلیون تن است یعنی به ازای هر یک نفر از جمعیت کشور سالانه یک تن کالا تولید می‌شود اما بدلیل عدم سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی سالانه ۱۵ تا ۲۰ میلیون تن ضایعات مواد غذایی داریم که با قیمت بازار بین المللی ۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

بدلیل نداشتن صنایع تبدیلی و کمبود کشت مکانیزه سالانه ۲ میلیارد دلار مواد غذایی دور ریخته می‌شود و از آن طرف ناچاریم سالانه ۲ تا ۴ میلیارد دلار کالای خوراکی وارد کنیم یعنی ضایعات مواد غذایی در کشور معادل واردات آن می‌باشد.

آمارهای اعلام شده حتی ارقام بالاتری از میزان ضایعات را نشان می‌دهد. برطبق آمار بخش صنایع غذایی وزارت کشاورزی، سالانه حدود ۳۰ درصد محصولات زراعی به وزن ۱۷ میلیون تن (معادل ۵ میلیارد دلار) در کشور ضایع می‌شود. با این ضایعات که بطور عمده قبل از مصرف نهایی بوجود می‌آید در حقیقت غذای ۱۵ میلیون نفر از چرخه مصرف خارج می‌شود.

بنابراین در برنامه ریزیهای اقتصادی کشور بایستی به رشد موازی کشاورزی و صنعت توجه شده و در واقع صنایع حامی و پشتیبان کشاورزی و کشاورزی توسعه دهنده صنعت در کشور باشد.

از بین بردن فقر مطلق در نخستین دهه‌های قرن بیست و یکم امری امکان پذیر است و خارج از استطاعت جهان نیست، این کار حکم این واجب اخلاقی را دارد و بیش از یک واجب اخلاقی یک تعهد به همبستگی انسانهاست.



۷- دخالت همه جانبه دولت در امر تولید و توزیع مواد غذایی این دخالت نه تنها سبب تامین سلامت افراد جامعه و جلوگیری از سوذجوئیهای افراد در زمینه مواد غذایی می‌گردد، بلکه امکان رفع بحرانهای غذایی را نیز فراهم می‌آورد. بعلاوه ارزش تولید یک ماده غذایی در گروه شکل توزیع و مصرف آن است و هر اندازه دولتی مردمی‌تر باشد بر شکل توزیع عادلانه‌تر مواد غذایی تاکید بیشتری دارد. بدیهی است نقش تعاونیهای توزیعی در این زمینه بسیار اساسی و تعیین کننده می‌باشد.

۸- در برنامه ریزی برای تامین نیازهای غذایی کشور باید به مناطق محروم اولویت داده شده و تداوم و ثبات یک وضعیت غذایی خوب برای این مناطق تضمین گردد. ۹- از آنجا که حل مشکلات غذایی مردم باید از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد و سازمانها و مراکز مختلفی در کشور در این امر دخالت دارند، لذا تشکیل شورایی متشکل از تمام این مراکز و سازمانها با نظارت مستقیم ریاست جمهور جهت برنامه ریزیهای زنجیره غذایی از تولید تا مصرف ضروری بنظر می‌رسد.

در پایان، نظر به اینکه ۱۶ اکتبر هر سال مطابق با ۲۴ مهرماه، بنام روز جهانی امنیت غذایی نامیده شده و کنفرانسها و سمینارهای مختلفی در این رابطه برگزار می‌گردد، باید گفت: بطور کلی حل مشکلات فقر غذایی و گرسنگی در جهان نه در آزمایشگاهها میسر است و نه از طریق

برگزاری کنفرانسهای بین المللی ممکن می‌گردد. زیرا اگر قرار بود تحقیقات آزمایشگاهی و پژوهشهای متخصصان علوم غذایی درمان کننده این درد باشد بدون تردید در حال حاضر حتی یک گرسنه در جهان وجود نداشت چرا که اگر صرفاً از دریچه علم به حل مشکل گرسنگی، نگاه کنیم خواهیم دید سطح دانش و تکنیکهای مربوط به مواد غذایی به گونه‌ای پیشرفته می‌باشد که قادر است چندین برابر جمعیت فعلی زمین، غذا تهیه و تولید کند.

به علاوه دورنمای دست یابی بشر به اقیانوسها به عنوان منبعی برای تهیه خوراک و کشت آبی در اقیانوسها تصاویری است که پیشرفت فرآیندهای علم تصویر کرده است.

اما هیچکدام از اینها عملاً درمان کننده مشکل فقر و گرسنگی نخواهند بود.

آنچه به راستی باعث فقر و گرسنگی جمعیت عظیمی از مردم در نقاط خاصی از جهان گردیده است، چیزی جز بی عدالتی نیست، این بی عدالتی علاوه بر اینکه در سطح جهان میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود، در اکثر ممالک در حال توسعه نیز میان اقلیت کوچکی از مردم مرفه و ثروتمند با اکثریت مردم فقیر، محروم و گرسنه آن بخوبی محسوس می‌باشد.

پس آنچه که امروزه در واقع، سلامت و بقای انسان را به اشکالی چون گرسنگی تهدید می‌کند زوال و مرگ انسانیت است

از این رو برای بقای انسان باید به بقای انسانیت در جهان پرداخت.

جا دارد در اینجا به تعالیم دین مبین اسلام در مورد انفاق نیز توجه نمود که جوهره و مفهوم واقعی آن در حل اختلاف طبقاتی و فقر در جامعه است و در واقع هدف ریشه کن کردن فقر گرسنگی در جامعه می‌باشد نه صرفاً تامین یک یا چند وعده غذا به همسایه نیازمند.

در این راستا، اقدام ریاست جمهور محترم کشورمان در جهت ارائه لایحه پیشنهادی توزیع درآمد و تحقق عدالت اجتماعی با هدف کاهش شکاف موجود بین فقرا و اغنیاء و از بین بردن زمینه‌های بروز بی‌عدالتی که انشاءالله با تایید مقام معظم رهبری، شاهد اجرای موارد آن در کشور باشیم شایان تقدیر است.

منابع مورد استفاده:

- وزیر پور نادر- روحانی سیم (ترجمه) ۱۳۷۳ - انفجار جمعیت نوشته بلارلش/ آنارلش
- کامرانی حشمت الله (ترجمه) ۱۳۷۴ - شوک آینده نوشته الوین تافلر
- فاطمی حسن ۱۳۶۲ - گرسنگی ارمغان استعمار - شرکت سهامی انتشار
- روزنامه اطلاعات مردادماه ۱۳۷۶ شماره‌های ۲۱۱۰۶ الی ۲۱۱۱۲ - حرکت به سوی تمدن عظیم اسلامی در سال ۱۴۰۰
- روزنامه اطلاعات مردادماه ۱۳۷۶ شماره ۲۱۱۱۵ - گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP). توسعه انسانی برای ریشه کنی فقر
- روزنامه اخبار مردادماه ۱۳۷۶ شماره ۶۱۱
- روزنامه اطلاعات اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ شماره ۲۱۰۵۳ - توسعه پایدار کشاورزی نیازمند تحول در جامعه اعتباری، نگاهی به برگزاری اجلاس اتحادیه، اعتبارات کشاورزی روستایی آسیا و اقیانوسیه (آپراکا)، اجلاس اعتبارات کشاورزی (ساگرد) تهران
- روزنامه اطلاعات شهریورماه ۱۳۷۶ شماره‌های ۲۱۳۰ الی ۲۱۳۹ - نگاهی به ظرفیتها و دشواریهای جامعه عشایری ایران
- روزنامه اطلاعات مهرماه ۱۳۷۶ شماره‌های ۲۱۱۸، ۲۱۱۷، ۲۱۱۶
- حسینی سید محمد (ترجمه) شهریورماه ۱۳۷۶ - آیا چین می‌تواند غذای خود را تامین کند؟ نوشته روی، ن پروسترمن
- تیم هانستاد - لی پینگ - روزنامه اطلاعات شماره ۲۱۱۴۵
- Geobrey C. Ward, 1997, India, bibty years of independence, Natioaal Geographic, Vol. 191, No.5

